

روش‌های تربیت عقلانی در «صحیفه سجادیه»

fa_ir2012@yahoo.com

فاطمه ایرانمنش / دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه باهنر کرمان

rostaminasab@uk.ic.ir

عباسعلی رستمی‌نسب / دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه باهنر کرمان

پذیرش: ۹۵/۶/۲

دریافت: ۹۴/۱۰/۲۶

چکیده

تعلیم و تربیت با رشد و کمال انسان و زندگی شایسته او سروکار دارد. از آنجاکه انسان موجودی است پیچیده، تعلیم و تربیت او نیز پیچیده و مستلزم تمهید مقدمات فراوان و بهره‌گیری از روش‌های تربیتی مؤثر است. بدین‌روی، برای سامان‌دهی به تعلیم و تربیت، باید از منابع غنی و باارزشی همچون قرآن کریم و اولیای دین و معصومان علیهم‌السلام استفاده کرد. این تحقیق با هدف بررسی و تبیین روش‌های تربیتی مبتنی بر پرورش بعد عقلانی در «صحیفه سجادیه» و با روش توصیفی - تحلیلی صورت گرفته است. نتایج تحقیق بیانگر این است که «صحیفه سجادیه» جایگاه فوق‌العاده‌ای برای انسان قایل است. به همین دلیل، برنامه‌ها و روش‌های تربیتی مطمئنی برای تربیت انسان‌ها و سعادت و رستگاری بشر معرفی می‌کند که با به‌کار بستن آنها، انسان به سوی سعادت واقعی رهنمون می‌شود. در این زمینه، روش‌های تربیت عقلانی از جمله، تزکیه، تعلیم حکمت، مشاهده، عبرت‌آموزی، تجربه‌اندوزی، پرسش و پاسخ و مانند آن از این کتاب استخراج گردیده است.

کلیدواژه‌ها: صحیفه سجادیه، جایگاه انسان، تربیت عقلانی، روش‌های تربیتی.

مقدمه

نقش تربیتی او محال می‌گردد (وحدانی فر، ۱۳۹۳، ص ۱۴۸). توجه اسلام به عقل و پرورش آن بیش از دیگر ادیان و مکاتب مادی بوده است. قرآن در آیات گوناگون، انسان را به خردورزی فراخوانده و زمینه‌های رشد آن را فراهم ساخته است. تفکر در آیات انفسی و آفاقی به عنوان بستر تربیت عقل، همواره مورد تأکید قرآن بوده است. تربیت از منظر امام خمینی علیه السلام به معنای رشد و پرورش عقل است که به عنوان استعداد فطری، محور تربیت بوده و ماده آن تفکر است و تربیت عقلانی، تربیتی است که انسان را به تشخیص درست برساند و به گونه‌ای که بتواند مصالح و مفاسد را به خوبی تمیز دهد و خیر و صلاح را برگزیند (اصلانی، ۱۳۹۱، ص ۹۴). بعد عقلانی، که به عنوان یک استعداد در وجود آدمی نهاده شده است، به خودی خود شکوفا نمی‌گردد، بلکه برای پیمودن منزل سعادت و راه تکامل، نیاز به هدایت و تربیت دارد. «تربیت» از ریشه «رَبَوَ» به معنای رشد یافتن و شکوفایی همه استعدادهای انسان از جمله بعد عقلانی است (علوی، ۱۳۸۶، ص ۴۶). از این رو، «تربیت» شکوفا کردن و رشد دادن این استعدادهای انسان معنا می‌شود. بدین‌رو، یکی از ویژگی‌های انسان کسب معرفت و قدرت شناخت است و عقل یکی از ابزارهای مهم معرفتی در جهت تربیت صحیح، انسان را در مسیر حق رهنمون می‌سازد.

در اندیشه اسلامی، به پرورش جنبه‌های عقلانی در سامان‌دهی به نظام فکری یا ایدئولوژی انسان اهمیت زیادی داده شده است، به گونه‌ای که برخی اعتقاد دارند: از ویژگی‌های اصلی تربیت اسلامی تکیه بر عقل و تأکید بر جنبه عقلانی است (شریعت‌مداری، ۱۳۸۲، ص ۴۹).

تربیت عقلانی به عنوان یکی از اهداف مهم و واسطه‌ای، مربی را در رسیدن به «خودفرمانی عقلانی» و

انسان موجودی است برخوردار از نیروی تفکر و به همین سبب، بر سایر موجودات برتری دارد. سایر ابعاد وجودی وی از جمله، جنبه‌های عاطفی، اجتماعی و اخلاقی او در حد وسیعی تحت سیطره جنبه عقلانی قرار دارد. از این رو، تربیت عقلانی برای پیمودن منزل سعادت و رستگاری انسان ضرورت پیدا می‌کند. در میان نخستین فیلسوفان تعلیم و تربیت، نخستین حامیان تربیت عقلانی فیلسوفان یونان، یعنی سقراط، افلاطون و ارسطو بودند. عقل در محافل اندیشمندان اسلامی از دیرزمان مطرح بوده است و می‌توان گفت: پیشینه آن به درازای تاریخ زندگی بشر است. از زمان فیلسوفان یونان باستان می‌توان آن را ردیابی کرد. سوفیست‌ها گرچه به عنوان نخستین آموزگاران در تاریخ یونان و شک‌گرایی موجب ترویج روش استدلالی و منطقی و تحریک اذهان افراد به حقیقت‌جویی شدند، اما به سبب انحراف به سمت باطل، موجب انحطاط اخلاقی افراد شدند. بیشتر فیلسوفان اساس فلسفه را احوالی همچون شک، سؤال، حیرت، تعجب و اضطراب دانسته‌اند (سلطان‌القرایی، ۱۳۸۴، ص ۵۰).

بدین‌رو، می‌توان شروع فلسفه را از شک و تردید دانست که در صورتی که صحیح پرورش یابد، زمینه تربیت عقلانی را فراهم می‌آورد. بزرگان و دانشمندان اسلامی ضمن ارج نهادن به نقش عقل، قوه خرد را در مقام نظر، تشخیص سره از ناسره، خیر از شر، حق از باطل؛ و در مقام عمل، انجام رفتار آگاهانه مبتنی بر نظر اندیشمندان، از شروط لازم در تعلیم و تربیت دانسته‌اند. عقل در محافل اندیشمندان اسلامی، از دیرباز، منبع استنباط، قوه دراکه و عامله و ممیز مطرح شده و ماهیت تعلیم و تربیت انسان همان عقلانیت اوست، به گونه‌ای که اگر عقلانیت از او سلب شود، انسانیت او فرو می‌ریزد و

به تعبیر حکیم فرزانه، امام خمینی رحمته الله علیه «قرآن صاعد» است که شامل ۵۴ دعای بسیار معتبر، هم از نظر سند و هم از نظر مضمون و دارای والاترین معارف الهی که به حق «اخت‌القرآن» و «زبور اهل‌بیت» لقب گرفته که پس از قرآن مجید و نهج‌البلاغه، مهم‌ترین گنجینه حقایق و معارف الهی است (عزیزی، ۱۳۸۸، ص ۱۰). صحیفه سجاده کتابی است که در آن معارف اسلامی در قالب زبان دعا آورده شده و در پرتو خردورزی انسان به ثمر می‌نشیند و دل‌های خفته را بیدار می‌سازد. این کتاب علمی را دربر دارد که با بهره‌وری از عقل و اندیشه، تا ابد به بشریت رهنمودهای ارزنده‌ای ارائه می‌دهد. آنچه متربی را در مقابل موانع تربیت، مقاوم ساخته، با نظر به هدف غایی تربیت، او را برای رسیدن به موقعیت مطلوب کمک می‌رساند، به کارگیری قوه عقلانی در جهت مطلوب است. بدین منظور، باید در پرورش بعد عقلانی تلاش کرد و شیوه‌های مناسب خردورزی را یافت. «روش» (شیوه) به معنای «طریق، اسلوب و راه» است که شامل دستورالعمل‌های جزئی در رسیدن به هدف می‌شود (هوشیار، ۱۳۷۴، ص ۲۲). بررسی روش‌های تربیتی با وجود اهمیت فوق‌العاده‌ای که در امر تعلیم و تربیت دارد، ازجمله پرورش بعد عقلانی کمتر مطرح نظر واقع شده است. اگر به مسئله پرورش عقلانی، که به وسیله آن انسان می‌تواند مسائل خود را شناسایی و حل کند توجه نشود، برنامه تربیتی به نتیجه و هدف نخواهد رسید. بدین منظور، باید به منابع اصیل اسلامی از جمله صحیفه سجاده مراجعه گردد و شیوه‌های پرورش بعد عقلانی استخراج و به کار گرفته شود.

بدین منظور، این مقاله کوشیده است با بهره‌گیری از منبع اصلی صحیفه سجاده و دیگر منابع اسلامی به این سؤالات پاسخ گوید:

در نهایت، وصول به مقام قرب الهی یاری می‌رساند و بدون آن، حرکت در مسیر، سخت و ناممکن خواهد بود؛ زیرا شیطان به عنوان مهم‌ترین مانع در فرایند تعلیم و تربیت، با فراهم آوردن ناآرامی‌های روانی در درون انسان، مانع بروز استعدادهای آدمی خواهد شد. امام سجاده رحمته الله علیه در دعای «مکارم‌الاخلاق» بر این نکته تأکید می‌ورزند: «اللهم اجعل ما یلقى الشیطان فی روعی من التمنی و التظنی و الحسد ذکراً لعظمتک و تفکراً فی قدرتک و تدبیراً علی عدوک» (دعای ۱۳، ص ۲۰)؛ بار خدایا، آنچه شیطان از دروغ و گمان و رشک در دل من می‌افکند، به یاد بزرگی‌ات و اندیشه در توانایی‌ات و عاقبت‌اندیشی بر دشمنت، مبدل گردان. اینجاست که تربیت عقلانی به معنای ایجاد شرایط مناسب برای پرورش قوه تفکر انسان، ضرورت پیدا می‌کند (ملکی، ۱۳۷۹، ص ۵۰۲). از سوی دیگر، شرط توفیق تربیت در سایر جنبه‌های وجودی انسان معطوف به تربیت عقلانی است و برای تربیت بعد الهی و معنوی انسان نیز باید به تربیت عقلانی وی همت گماشت. هدف‌های تربیت عقلانی شامل پرورش قوه فهم آدمی نسبت به جایگاه خود در عالم هستی، تقویت قوه تحلیل برای شناخت رابطه انسان با سایر ابعاد خلقت، هدایت عقل به سوی تقویت اسرار خلقت، و نسبت آن با خالق هستی است (همان، ص ۴۹۰). روشن است که در این راه هرچه جنبه‌های معنوی تقویت شود و فضای روانی مناسب در او به وجود آید و نفس و تمایلات نفسانی بیشتر تعدیل گردد، عقل و فکر رشد کرده، بیشتر توسعه می‌یابد.

یکی از منابع بارز در رشد و هدایت بعد عقلانی انسان، صحیفه سجاده است؛ اثر ارزشمندی که نازله روح قدسی چهارمین اسوه پاک، امام‌العارفین، سیدالساجدین و

- مفهوم و جایگاه عقل چیست؟
- چرا تربیت عقلانی اهمیت دارد؟
- روش‌های تربیت عقلانی کدامند؟

مفهوم و جایگاه عقل

«عقل» دارای دو معنای لغوی و اصطلاحی است. از نظر لغوی، مخالف «جهل» است. راغب اصفهانی در *المفردات* می‌نویسد: «اصل عقل، امساک و نگه‌داری وضع چیزی است و به دو چیز گفته می‌شود: اول. به قوه‌ای که آماده قبول دانش است که اگر انسان نداشته باشد تکلیف از او ساقط است. دوم. به علمی که انسان به وسیله این قوه کسب می‌کند و این همان چیزی است که قرآن کافران را به خاطر تعقل نکردن، مذمت کرده است» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۸). در تفسیر *المیزان*، کلمه «عقل» به معنای «بستن و گره زدن» آمده و آن چیزی است که به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل تشخیص داده می‌شود (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۴، ص ۵).

تعریف اصطلاحی «عقل» در برخی منابع به گونه‌ای متفاوت ذکر شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می‌فرماید: «خرد نوری است که خداوند برای انسان آفرید و آن را روشنگر دل قرار داد، تا به وسیله آن تفاوت میان دیدنی‌ها و نادیدنی‌ها را بشناسد» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۶۳). امام خمینی رحمته الله علیه نیز در این باره می‌فرماید: «عقل قوه عاقله و روحانیه‌ای است در انسان که به حسب ذات، مجرد و به حسب فطرت، تمایل به خیرات و کمالات دارد و داعی به عدل و احسان می‌باشد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۲، ص ۲۱).

اصطلاحات دیگری معادل «عقل» در متون اسلامی ذکر شده است: از جمله: «لب» به معنای مغز، و در اصطلاح، به «عقل خالص» گفته می‌شود: «مَا يَدَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ»

(آل عمران: ۷)؛ جز صاحبان عقل متذکر نمی‌شوند. «نهی» به معنای عقلی است که از محسوسات گذشته و به شناسایی معقولات توجه می‌کند و آدمی را از کار بد نهی می‌کند: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (طه: ۵۴)؛ به راستی، در آنچه گفته شد درس‌هایی برای خردمندان است.

با توجه به تعاریف متعدد در خصوص معانی اصطلاحی «عقل»، می‌توان عقل را یکی به منزله مقصد و دیگری به منزله راه پوینده متحرک در راه حقیقت دانست. در این پژوهش، عقل به منزله راه و روشی است که با استفاده از آن می‌توان به درجات متعالی و هدف غایی قرب الهی دست یافت تا با پیمودن این راه، سالک قادر به حل مسائل خویش باشد.

در متون اسلامی شرط صحت عبادت، داشتن معرفت و شناخت است و ابزار این شناخت عقل است. پس عقل جایگاه والایی در متون اسلامی دارد. برخی منابع ملاک هر امری را عقل دانسته‌اند. از دیدگاه امیرمؤمنان علی رضی الله عنه، ملاک هر امری عقل است؛ «ملاک الامر العقل» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۴۴).

ارزش عقل در اسلام تا حدی است که دین‌داری هرکس به اندازه خردمندی اوست. رستمی نسب (۱۳۸۸) انسان را به واسطه عقل قادر به درک حقیقت دانسته و عقل را عامل تعالی انسان می‌داند. عقل شرط تکلیف است و اگر انسان عاقل نباشد طبعاً از نظر اسلام، تکلیفی متوجه او نخواهد بود. بدین‌رو، تعالی و رشد انسان در گرو انتخاب راه نیک از خطا و مبتنی بر پرورش قوه عقلانی است.

عقل در منابع اسلامی، جایگاه رفیعی دارد و گرانمایه‌ترین نعمت الهی است. برخی از مفسران در تفسیر آیه «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ» (احزاب: ۷۲) منظور از «امانت» را عقل و ملاک تشخیص دانسته‌اند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۲۴۲).

بینا یکسانند؟ پس چرا نمی‌اندیشید؟
در حکمت ۴۸ نهج البلاغه، امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:
«پیروزی با حسابگری است و حسابگری با کوشش فکر،
و فکر با رازداری.»

امام سجاده علیه السلام در دعای سیزدهم، در فراز اول، برتری
قوه عقلانی را بر قوای جسمی بیان می‌کند و معتقدند:
چشم و گوش ما بیش از ظواهر عالم را نمی‌بیند، ولی
کوشش عقل معطوف به یافتن علت رابطه است و آنچه را
که درایت عقلانی می‌جوید غیر از چیزی است که دست و
چشم و گوش ظاهری لمس و حس می‌کند (ممدوحی،
۱۳۸۸، ج ۱، ص ۵۶۵).

قرآن تفکری را پیشنهاد می‌کند که آدمی به واسطه آن
پوسته طبیعت را بشکافد و از آن درگذرد و قلب و جان
آن را بنگرد ﴿أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ
وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف: ۱۸۵)؛ آیا در ملکوت آسمان‌ها و زمین
و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند.

در قرآن، خدای تعالی نعمت وجود پیامبر را، که عقل
کل مخلوقات است، برای انسان‌ها منت می‌داند و تزکیه و
تعلیم را، که موجب رشد و اعتلای عقل است، از وظایف
پیغمبری ذکر می‌کند تا عقل‌های مردم را به کسب حکمت
رهنمون کند ﴿كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِّنكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ
آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (بقره: ۱۵۱)؛
همان‌طور رسولی را از شما در میانان فرستادیم تا آیات
را بر شما بخواند و شما را پاک و منزه گرداند و کتاب و
حکمت به شما بیاموزد. بدین‌روی، توجه اساسی به
پرورش این استعداد و موهبت الهی یکی از اهداف مهم
تربیتی قلمداد می‌شود تا با نیل بدان، هدایت و رستگاری
در دسترس انسان قرار گیرد؛ زیرا عقل راهنمایی است که
فرد را به خیر و سعادت رهنمون می‌سازد.

یکی از جنبه‌های مهم تعلیم و تربیت اسلامی پرورش

عقل یکی از ابزارهای شناخت، بلکه مهم‌ترین
آن‌هاست که با نظارت بر حواس، کشف واقعیت را برای
انسان ممکن می‌سازد و در خصوص صحت و سقم
دریافت‌های حواس داوری می‌کند. از آیات قرآن و
بیانات ائمه اطهار علیهم السلام برمی‌آید که انسان با توجه به این
نعمت الهی و عقل وجودی، هیچ چیزی را نباید بدون
تفکر و اندیشیدن قبول کند.

اهمیت تربیت عقلانی

یکی از ابزارهای معرفت «عقل» است که اگر در مسیر
هدایت و تربیت قرار نگیرد موجب گمراهی و تباهی
انسان می‌گردد. کسب شناخت و معرفت به واسطه
ابزارهای معرفتی انسان میسر است و عقلی که در پرتو
آموزه‌های وحیانی، انسان را در تشخیص خیر و شر
راهنمایی کند، مسلماً قادر است انسان را به تقوا و
خداپرستی سوق دهد و از شک و دودلی رهایی دهد،
وگرنه عقلی که در مسیر هدایت قرار نگرفته باشد هرگز
قادر به فتح باب اخلاص در توحید نیست؛ چنان‌که امام
سجاده علیه السلام در توصیف انسان‌ها به خردوزی در نعمات الهی
می‌فرماید: «سپاس خداوند را که درهای شناخت ربوبیت
را بر ما گشود و بر اخلاص در توحید راهنمایی مان فرمود
و از عدول، کجروی، الحاد، شک و دودلی دورمان کرد.»
بدین‌روی، عقل رشد یافته انسان، با تفکر و تأمل در
نعمت‌های الهی، قادر است باب توحید را به روی انسان
بگشاید. نیروی عقلانی یکی از جنبه‌هایی است که در
تعلیم و تربیت اسلامی بدان اهمیت داده شده است.

آیات متعدد با مقیاس‌های گوناگون، انسان را به تعقل
و تدبر و در یک کلام، به عقل‌گرایی و خردورزی دعوت
می‌کنند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿قُلْ هَلْ يَسْتَوِي
الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾ (انعام: ۵۰)؛ بگو آیا کور و

تعالی و عروج معنوی انسان معرفی می‌کند (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱). به عبارت دیگر، روش، راه و طریقه‌ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد و عمل تربیتی را منظم و موصول به هدف و منظور مربی می‌کند (هوشیار، ۱۳۷۴، ص ۲۲).

روش‌های تربیت عقلانی، شیوه‌ها و راه کارهای مطلوب در رشد جنبه عقلانی انسان به منظور نیل به هدف غایی قرب الهی است. در صحیفه سجاده و منابع اسلامی، روش‌هایی برای تربیت عقلانی ذکر شده است که در این مقاله به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

۱. تزکیه

تن دادن به هوس‌ها و پیروی از هوا موجب می‌گردد عمل شنیع نیک، و عمل نیک زشت جلوه کند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَأَهُ حَسَنًا﴾ (فاطر: ۸). از این رو، یکی از روش‌های زمینه‌ساز تربیت عقلانی در اسلام، مهار طغیان‌های نفسانی است. امام سجاد علیه السلام در دعاهای مکرر، خطر هواهای نفسانی را به انسان گوشزد می‌نماید و او را از آن برحذر می‌دارد، چنان‌که در دعای چهل و هفتم، فراز سی و سوم می‌فرماید: «از جمله دشمنان انسان، هواهای نفسانی اوست که هرگز از انسان جداشدنی نیست و بسیار خطرناک‌تر از شیطان است» و همچنین هواهای نفسانی را از بازدارترین پدیده‌هایی که انسان را زمینگیر می‌کند و از فطرت انسانیت خارج و به وادی بهیمیت حیوانیت می‌کشاند نام می‌برد و انسان را از آن برحذر می‌داند و می‌فرماید: «خدایا، درخواست من از تو همانند درخواست کسانی است که آرزوهای دور و دراز بر آنان غالب شده و هوای نفس گرفتارشان ساخته و دنیا بر آنها مسلط گردیده است؛ گناهان بسیاری دارند و جز تو پناهگاهی ندارند» (صحیفه سجاده، ۱۳۸۸، دعای ۵۲).

نیروی عقلانی است. به منظور تقویت آن و اهتمام به آن، لازم است برنامه‌ها و محتوای آموزشی به گونه‌ای طراحی شود که زمینه هرچه بیشتر فعالیت‌های ذهنی و عقلانی متعلمان را ایجاد کند و ایجاد انگیزه و چالش و تحریک آنها در جهت حل مسائل صورت گیرد.

علوی «تعلیم» را شکوفایی بعد عقلانی و زیرمجموعه تربیت می‌داند و به عدم تفکیک تعلیم از تربیت معتقد است؛ زیرا مغز و قلب شاگرد همزمان تحت تأثیر واقع می‌شوند و معلم در هر لحظه مربی نیز هست. رشد و پرورش «استعداد عقلانی»، که همان تعلیم و پرورش «بعد عقلانی» تربیت است، موجب شکل‌گیری اعتقادات و باورهای فکری فرد می‌شود (مبنای اندیشه‌ورزی). این امر در گرو تربیت صحیح است و برای رسیدن به هدف والای قرب الهی و تربیت شایسته، باید بهترین شیوه‌ها را انتخاب کرد. به یقین، برترین شیوه‌ها را می‌توان در کلام و سیره انسان‌های کامل جست‌وجو کرد و چنین انسان‌هایی جز معصومان علیهم السلام کسی نیست (علوی، ۱۳۸۶، ص ۴۷). عقل آدمی باید از چنان قوتی برخوردار باشد که بر تمام قوا و جوارح او حکومت داشته باشد. همه باید مطیع او باشند و او بر همه فرمان‌روایی داشته باشد.

روش‌های تربیت عقلانی

همان‌گونه که بیان شد، توجه به پرورش بعد عقلانی انسان در منابع اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به واسطه عقل است که انسان رشد می‌کند و به سمت کمال سیر می‌کند. بدین‌روی، پرورش بعد عقلانی و فکری می‌تواند انسان را از لغزشگاه‌ها مصون دارد. پس باید بعد عقلانی را تقویت کرد و با روش‌های تربیتی آن آشنا گردید. رستمی‌نسب «روش تربیتی» را شیوه شناخت قواعد و طرق حل مسائل تربیتی و ایجاد زمینه مناسب برای سیر

نهادی با علم می‌بالد و از این رو، قرار دادن انسان در مسیری که در آن به علمی راست‌بین دست یابد، به منزله روشی برای تربیت عقلانی اوست (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷).

در تعلیم حکمت، مشی قرآن بر منوالی است که از مراحل ماندن مواجهه حسی، اندیشه‌ورزی، ارزیابی اندیشه‌های سست، و استدلال سخن به میان می‌آید. حکمت علمی است که می‌توان به کمک آن، به حقیقت رسید. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «حکمت به وسیله عقل و عقل به وسیله حکمت رشد می‌کند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۶). به تناسب توسعه حکمت و علم، رشد عقلانی توسعه می‌یابد و برعکس. مرحوم کلینی معتقد است: مراد از «حکمت» علوم و معارف الهی است که رسیدن به آن از راه عقل میسر است. هر قدر عقل و اندیشه برداشتن او از این خرمن پرفیض بیشتر باشد، بیشتر به کمال می‌رسد (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۱).

داستان حضرت ابراهیم علیه السلام و درهم شکستن بت‌ها و قرار دادن تبر بر دوش بت بزرگ، مثال روشنی از این روش است که در قرآن ذکر شده است. بر این اساس، قرآن آدمی را به مواجهه حسی با هستی و تفکر درباره آن دعوت می‌کند تا بدین وسیله، به حکمت دست یابد و حقایق را بشناسد (مائده: ۳۱). در نتیجه، انسان می‌تواند حقایق را آن‌گونه که هست، ببیند و بصیرت یابد. امام سجاده علیه السلام در دعا برای مرزداران در این باره می‌فرماید: «بار خدایا، آنچه را که نمی‌دانند به ایشان بشناسان و آنچه را نمی‌دانند به ایشان بیاموز و نسبت به آنچه نمی‌بینند، بصیرت و آگاهی بخش» (صحیفه سجاده، دعای ۲۷، فراز ۴).
صحیفه سجاده به معرفی پدیده‌های گوناگون جهان هستی و مشاهده آنها، انسان‌ها را به تفکر دعوت نموده است تا بدین‌گونه، با دانش جامع و ژرف، در نیل به حقیقت بکوشند. نظم اعجاب‌آور دستگاه آفرینش (دعای

فراز ۹). هواهای نفسانی تعادل عقل را به هم می‌زنند و موجب انحراف آن می‌گردند؛ گویی چشم عقل را به حقایق بسته، باطل را توجیه می‌کنند و درست جلوه می‌دهند.

باقری دل‌بستگی و علاقه نابجا، پیروی از هوس‌ها، عجب و خشم و غضب را از آفات عقل می‌شمارد و معتقد است: هنگامی علم و معرفت حقیقی حاصل می‌شود که این علم از تزکیه نفس سرچشمه گرفته باشد. گاه دل‌بستگی‌ها و کینه و نفرت موجب قبول باطل و قبول حق می‌گردد و آدمی را در انتخاب حق و باطل مردد می‌سازد تا از پذیرش حق سرباز زند. گرایش‌های کاذب موجب اسارت عقل می‌گردد، و گاه فضایل خود را بیش از آنچه هست می‌بیند و دچار عجب می‌گردد و حق را در پشت حجاب خودبینی نمی‌بیند. خشم و غضب نیز عقل را مهار می‌کنند. بهترین راه مقابله کنترل نفس و مهار امیال و حرکت در خلاف جهت رذایل و کسب فضایل است. برای مثال، با کنترل خشم و رفتاری همراه با مهربانی و ملاطفت، می‌توان آن را مهار و عقل را رهایی بخشید (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۰۶).

مربی با خودسازی و تزکیه نفس خویش، راهنمای متریبان قرار می‌گیرد و آنها را به آن تشویق می‌کند. از منظر اسلام، «مجاهدت» با نفس و «مراقبت» از آن و «مواظبت» بر اعمال صالح و آن‌گاه «حسابرسی»، مؤثرترین روش خودسازی و تزکیه و رسیدن به کمال است.

۲. تعلیم حکمت

«حکمت» علم و دانش راستین و حقیقی و به عبارت دیگر، دانشی جامع و ژرف است که شخص نسبت به امور عالم و انجام کارها پیدا می‌کند (علوی، ۱۳۸۶، ص ۱۴). «حکمت» علمی است که می‌توان با آن، هم در حیطة اندیشه و هم در حیطة عمل، به واقع و حق نایل شد. عقل

صورت مجمل بر پیامبر ﷺ نازل کردی و علم به شگفتی‌های آن را به نحو کامل به او الهام فرمودی و برای ما علم تفسیر شده آن را به ارث گذاشتی و ما را بر کسی که به قرآن جاهل است، برتری دادی» (صحیفه سجادیه، دعای ۵، فراز ۴۲). افرادی شایسته این مقامند که در پرتو علم‌آموزی، به رشد عقلانی دست یافته و قادر به تفسیر و تأویل آن باشند و به لایه‌های درونی قرآن رسوخ کنند. افرادی که با داشتن علم، قادر به تجزیه و تحلیل مسائل نیستند، حکم جاهل را دارند. از سوی دیگر، اگر انسان تفکر کند، ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده خام ندارد. در قرآن، به این موضوع اشاره شده است: «این مثل‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز دانشمندان تعقل نمی‌کنند» (عنکبوت: ۴۳).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بسیار اندیشیدن در دانش، خرد را بارور و شکوفا می‌کند» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۸۶۶). علم غذای فکری انسان است و انسان در سایه آن می‌تواند به رشد مطلوب برسد و راه صحیح زندگی را بییابد. عقل در سایه علم‌آموزی رشد و فزونی می‌یابد. امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «العقل غریزة تزید بالعلم والتجارب» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۵۳)؛ عقل خویی است که به سبب علم و آزمایش زیاد می‌شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در فضیلت علم‌آموزی می‌فرماید: «صبح و شام در طلب علم بودن، نزد خداوند از جهاد کردن بهتر است» (عابدینی مطلق، ۱۳۸۸، ح ۵۶۵، ص ۷۲).

عقل و علم اگرچه بر هم تأثیر دارند، اما لزوماً با توسعه اطلاعات علمی، عقل انسان شکوفا نمی‌شود و صرف آگاهی داشتن کافی نیست، بلکه علوم باید در پرتو فطرت الهی قرار گیرد و هدایت شود. از این رو، مریبان باید برای سالم‌سازی نفس متربیان بکوشند و تقوا را در خود و

۴۷، فراز ۵)؛ دانش هواشناسی (دعای ۱۹، فراز ۱)؛ آثار و فواید باران (دعای ۱۹، فراز ۲) از جمله آنهاست.

مریبان تربیتی باید با فراهم کردن موقعیت‌ها و آیات هستی برای متربیان، آنان را به اندیشیدن وادارند و موجبات پرورش عقل را در تشخیص صحیح حق از باطل برایشان میسر سازند و قوه عقلانی آنان را پرورش دهند. دست یافتن به علم راست‌بین (حکمت) به منزله شیوه تربیت عقلانی است. پیامبران با ایجاد موقعیت‌های سؤال‌برانگیز برای مردم و مواجهه با پدیده‌های هستی، آنها را به اندیشه وادارند و با جدال احسن، باطل بودن اندیشه‌های خام را آشکار سازند (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۲). با نظر به این روش، مربی باید این‌گونه رفتار کند و مربی را در معرض علم و حکمت قرار دهد.

۳. علم‌آموزی

«علم» واژه‌ای عربی و ترجمه فارسی آن «دانش» است و بیشتر در خصوص علوم تجربی و مانند آن به کار می‌رود (علوی، ۱۳۸۶، ص ۳۸)؛ دانستی که منجر به افزایش اطلاعات و محفوظات و رشد عقلانی می‌گردد. بدین‌رو، فراگرفتن علم، رشد عقل را در پی دارد، و شرط تعقل مطلوب نیز بهره‌گیری از علم است. در این باره، امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «العقل عقلان: مطبوع و مسموع» (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۸)؛ و عقل مسموع از طریق کسب علم و معرفت رشد می‌یابد. همچنین امام سجاده علیه السلام می‌فرماید: «خداوندا، دانستن آنچه را بر من لازم است به من الهام کن، و آموختن همه واجبات را بی‌کم‌وکاست برایم فراهم نما» (صحیفه سجادیه، دعای ۲۴، فراز ۳). در جایی دیگر، ایشان از رفعت و منزلت ائمه اطهار علیهم السلام به واسطه بهره‌مندی از علم تفسیر قرآن چنین می‌فرماید: «خداوندا، تو قرآن را به

۵. عبرت‌آموزی

کلمه «عبرت» به معنای «گذشتن» و «عابر» کسی است که از راه می‌گذرد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۲۱۸). اما به تدریج، «عبرت» به حالتی اختصاص یافته که در آن از امور مشهود به وجوه نامشهود گذر می‌شود (آل‌عمران: ۱۳). از عوامل دیگری که بر تربیت عقلانی تأثیر دارد و در منابع اسلامی، به‌ویژه قرآن کریم، بارها از آن یاد شده، عبرت‌آموزی است. مطالعه تاریخ و تمثیل‌ها و داستان‌های مربوط به آن، جرقه‌هایی برای تعقل و تفکر و کسب تجربه در زندگی در ذهن انسان به وجود می‌آورد. امام سجاده علیه السلام به عبرت‌آموزی و کسب تجربه از تاریخ اشاره می‌کند: «خدایا، از آنها به خاطر آنکه از دیار خویش دور شدند و از زندگی خویش و از وسعت و گشایش، به فقر و سختی درافتادند و برای اعزاز دین تو، آن ستم‌دیدگان بسیار رنج و تعب دیدند، قدردانی و سپاسگزاری فرما» (صحیفه سجاده، دعای ۴، فراز ۸) از این قبیل است: هجرت پیامبر صلی الله علیه و آله (همان، دعای ۲، فراز ۱۶)؛ فتح مکه (همان، دعای ۲، فراز ۲۰)؛ جنگ بزر بدر (همان، دعای ۲۷، فراز ۱۱). قرآن نیز به عبرت‌آموزی اشاره می‌کند: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» (حشر: ۲)؛ ای صاحبان بصیرت، عبرت بگیرید. این آیه می‌رساند که اسلام در جهت ترغیب مسلمانان به عبرت گرفتن از امور و رویدادها، آنان را به این امر تشویق کرده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام در روایتی بر فایده عبرت گرفتن تأکید می‌کند و آن را مایه بصیرت می‌داند: «دوام الاعتبار يؤدّي الی الاستبصار» (محمّدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۸۸)؛ استمرار در عبرت گرفتن، آدمی را به سوی بصیرت سوق می‌دهد. در هر عبرت‌گیری بصیرتی نهفته است و ثمره بصیرت نیز فهم و کسب علم است. بدین‌روی، می‌فرماید: «من اعتبر ابصر و من ابصر فهم و من فهم علم» (همان، ص

متریان ایجاد کنند تا زمینه انجام گناه ایجاد نشود. سپس در جهت افزایش اطلاعات تربیتی و آموزش استفاده صحیح از آنها بکوشند؛ زیرا علم در صورتی می‌تواند مفید باشد که تحت سلطه عقل فطری قرارگیرد. «عقل فطری» همان توانایی و بینشی است که می‌تواند به هدایت اولیه دست یابد و به عبارت دیگر، عقل فطری توانایی خاصی است که خدا در وجود انسان قرار داده است تا به واسطه آن هدایت شود.

۴. تجربه‌اندوزی

«تجربه» عبارت است از: تعامل فرد با محیط، و هرچه این تعامل بیشتر شود شرایط مناسب‌تری برای رشد عقل فراهم می‌گردد. امام سجاده علیه السلام از تجربه به عنوان توشه باارزش زندگی یاد کرده، می‌فرماید: «خدایا، به تو پناه می‌بریم از سرزنش دشمنان، از زندگی در سختی، و از مر بدون آمادگی و توشه» (صحیفه سجاده، دعای ۸، فراز ۸). در جای دیگر، اهل نظر و اندیشه را کسانی معرفی کرده که از گذشته‌ها به منظور بهسازی آینده پند و عبرت می‌گیرند: «خدایا، مرا لحظه‌ای به خود وامگذار و سرنوشت مرا پندی برای پندپذیرها و سرانجامی شوم برای عبرت‌پذیران و آزمایش برای اهل نظر قرار ده» (صحیفه سجاده، دعای ۴۷، فراز ۱۲۴). تجربه بر دانش انسان می‌افزاید و چنان‌که امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «فی التجارب علم مستألف» (ایمانی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۱)؛ از تجربه، دانش تازه به دست می‌آید. پس باید فرد را در معرض تجربیات مفید قرار داد تا موجب رشد عقلانی وی گردد. تجربه موجب پختگی فرد می‌شود و از اشتباهات وی می‌کاهد و موجب می‌گردد فرد کمتر از شیوه آزمایش و خطا استفاده کند. از این‌رو، می‌توان گفت: تجربه بر علم و اطلاعات آدمی می‌افزاید و او را در عمل کارتر می‌کند و عقل او را پرورش می‌دهد.

(۷۸۶)؛ هرکس عبرت گرفت بصیرت یافت، و هر کس بصیر شد فهیم گردید، و هر کس فهیمد عالم می‌گردد.

۶. مشاهده

الف. مشاهده و مطالعه طبیعت همراه با تفکر: مشاهده طبیعت به انسان بینش علمی می‌دهد. قرآن کریم به پدیده‌های طبیعی اهمیت ویژه‌ای می‌دهد و انسان‌ها را به خردورزی تشویق می‌کند. در آیات الهی، به مشاهده دقیق طبیعت و تفکر اشاره شده است (یونس: ۱۰۱؛ حج: ۴۶؛ روم: ۸؛ بقره: ۴۴؛ زمر: ۱۸؛ انعام: ۳۲؛ اعراف: ۱۶۹). همچنین بسیاری از سوره‌های قرآن به نام حیوانات است و به برخی از پدیده‌های طبیعی مانند ماه، خورشید، زمین، آسمان، شب و روز قسم خورده شده است؛ مثلاً، ﴿وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُوقِنِينَ وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ﴾ (ذاریات: ۲۰ و ۲۱)؛ در زمین نشانه‌هایی است برای یقین‌دارندگان و همچنین در خودتان؛ آیا نمی‌بینید؟ در صحیفه سجاده، به منظور تعقل و تفکر انسان‌ها، به موضوعاتی از قبیل آسمان‌ها منشأ برکات و نعمات (دعای ۶، فراز ۵؛ دعای ۱۹، فراز ۷؛ دعای ۳۱، فراز ۱۲)؛ شگفتی‌های بی‌پایان آفرینش (دعای ۱، فراز ۲)؛ مزایای شب و روز (دعای ۶، فراز ۱) اشاره شده است تا انسان‌ها را به تعقل وادارد که دلیل براهمیت پرورش نیروی عقلانی است. توجه به حواس انسان به عنوان نقطه آغاز تفکر او، نقش مهمی در تعلیم و تربیت دارد؛ زیرا پایه تعلیم و تربیت بر شناخت است و حواس پرورش یافته انسان را در شکوفایی تفکر و پرورش خلاقیت توانمند می‌سازد. خداوند ابزار حسی انسان و مفهوم نمادین آن را در کسب تجربه و شناخت حسی بیان فرموده (سجده: ۹؛ ملک: ۲۳) و تجربه حسی را پایه استدلال عقلی معرفی نموده است (نساء: ۱۵۳؛ انعام: ۱۰۳؛ نجم: ۳۵). در بسیاری از

آیات قرآن، خداوند تبارک و تعالی انسان را به تعقل و تفکر ترغیب می‌کند که مقدمه آن فعالیت شناخت از طریق حواس است. اسلام در جهت هدایت و رشد پرورش نیروی عقلانی، انسان‌ها را به مشاهده همراه با تفکر و دقت در تمامی کاینات و اجزای طبیعت توصیه می‌کند: ﴿قُلْ أَنْظُرُوا مَاذَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (یونس: ۱۰۱)؛ بگو با چشم عقل بنگرند به آنچه در آسمان‌ها و زمین است. نتیجه چنین مشاهددهای شکفته شدن عقل و پرورش خلاقیت است. یکی از راه‌های ارزشمند کسب معرفت نسبت به امور عالم «مشاهده دقیق همراه با تفکر و تعمق» است؛ همان‌گونه که در قرآن بر آن تأکید شده است (غاشیه: ۱۷-۲۰؛ یوسف: ۱۰۵).

در این زمینه، دانشمندان زیادی اتفاق نظر دارند؛ از جمله کانت یکی از اصول روش‌های آموزش و پرورش را اصل «تجربه» می‌داند (کاردان، ۱۳۸۸، ص ۱۶۱)، و یا اسپنسر که اصالت شناخت را به علم تجربی می‌دهد (همان، ص ۱۸۶) و روسو که معتقد است: در آموزش باید از مشاهده، یعنی به کار انداختن حواس شاگرد آغاز کرد و به تدریج، او را از شهود حسی به درک مفاهیم و معانی سوق داد (همان، ص ۱۴۳). پستالزی در تحقق هدف تربیت، شناخت قوانین طبیعت از طریق حواس را ضروری می‌دانست (همان، ص ۱۵۴). لاک ذهن آدمی را لوح نانوشته‌ای تصور می‌کرد که بر اثر تجربه و از راه حواس و مشاهده برونی و درونی معلومات نقش می‌بندد و مایه نخستین تعقل است (همان، ص ۱۲۱). بیکن شرط دست یافتن به حقیقت امور را مشاهده و تجربه می‌دانست (همان، ص ۱۰۹) و رابله کسب دانش را از راه مشاهده و تماس با طبیعت می‌داند (همان، ص ۹۴).

علوی (۱۳۸۸، ص ۹۸) اولین مشابهت بین روش‌های تربیت اسلامی و روسو در زمینه روش‌های پیاده کردن

توجه شده است: «خدایا، تو ما را از ناتوانی آفریدی و بر سستی بنیان نهادی و از آب بی‌ارزش آغازمان کردی. پس ما هیچ حرکتی جز با نیروی تو و هیچ توانی جز با یاری تو نداریم.» به موضوعاتی از این قبیل اشاره شده است (دعای ۳۲، فراز ۲۳؛ دعای ۱، فراز ۱۷؛ دعای ۶، فراز ۱۰؛ دعای ۲۰، فراز ۱۱؛ دعای ۳۲، فراز ۲۴).

۷. عاقبت‌اندیشی

امام سجاده علیه السلام در دعاها به گونه‌ای زیبا به عاقبت‌اندیشی امور توجه داشته و انسان‌ها را به داشتن بصیرت کافی در تصمیم‌گیری عاقلانه دعوت می‌کند. علاقه به طاعت و خطور گناه بر نفس و ذهن افراد (دعای ۹، فراز ۲) و عاقبت‌اندیشی امور در جلب رضا و خشنودی خداوند مدنظر قرار گرفته است.

امینی (۱۳۹۲) معتقد است: انسان باید عادت کند که درباره انجام هر عملی پیش از شروع، اطراف و جوانب آن را خوب بررسی کند و در آثار و نتایج آن اندیشه و تأمل کند که اگر صلاح بود وارد عمل شود. بدین‌روی، مربیان تربیتی باید در انجام هر کاری از عجله خودداری کرده، با تفکر و عاقبت‌اندیشی عمل کنند و متریبان را به این امر تشویق نمایند.

۸. مشورت

مشورت با عقلا و استمداد از افکار آنان موجب تقویت عقل می‌گردد. امام سجاده علیه السلام به این امر توجه فرموده و دیگران را به آن توصیه می‌کند (دعای ۲۶، فراز ۱؛ دعای ۲۰، فراز ۸؛ دعای ۲، فراز ۱۵؛ دعای ۱۷، فراز ۱۴). در اسلام، عنایت خاصی به امر مشورت شده است (آل‌عمران: ۱۵۹؛ شوری: ۳۸). کسانی که در کارها با دیگران مشورت و نظرخواهی می‌کنند، چنان است که

اصل تعقل، همان روش «مشاهده و مطالعه طبیعت همراه با تفکر» را ذکر می‌کند؛ همان‌گونه که خداوند در این زمینه، بیان فرموده است (یونس: ۱۰۱). مشاهده نقش بارورکننده تفکر برای انسان دارد و زمینه را مهیا می‌کند تا به کشف رابطه‌ها بپردازد و خلاقیت را در او بپروراند و این تفکر موجب قدرت مشاهده بیشتر در او می‌گردد (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۵، ح ۲۸۱). به همین سبب است که امام علی علیه السلام کسی را که مشاهده ظاهری بدون تفکر داشته باشد نابینا معرفی می‌کند (همان، خ ۱۱). اینجاست که انسان با داشتن چشم ظاهری و باطنی به عمق اشیا پی برده، رموز آنها را کشف می‌کند. آموختن نکات کاربردی در عالم پیرامون انسان و جلب توجه بیشتر در مشاهده آیات، متریبان را به نگرستن هوشمندانه ترغیب می‌کند. انجام تکالیف محول‌شده در این زمینه (مثلاً، مشاهده بر گیاهان و پاسخ به سؤالات مربوطه طرح‌شده توسط مربی همچون انواع، شکل، ساختمان، و کارکرد) موجب پرورش بعد عقلانی می‌گردد.

ب. مشاهده و مطالعه حقیقت انسان همراه با تفکر: انسان جلوه‌های گوناگونی دارد و در شرایط گوناگون، رفتارهای متفاوتی دارد و همین امر امکان شناخت انسان را دشوار می‌سازد. انسان با شناخت هرچه بیشتر از خود، می‌تواند رفتارهای خود را کنترل کند. شناخت بیشتر حقیقت انسان با رفتارهای مطلوب تناسب دارد و به همین سبب، تصحیح بینش انسان درباره خود، یک روش مطلوب به‌شمار می‌رود. قرآن سیمای راستین انسان را بدین صورت در برابر دیدگان می‌نهد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ (فاطر: ۱۵)؛ ای مردم، همه شما به خدا محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات است. در صحیفه سجاده، به منظور تعقل و تفکر انسان‌ها به موضوعاتی از قبیل آفرینش انسان‌ها

گویا عقل دیگران را به استخدام خویش درآورده‌اند و انسان مشورت‌کننده، به قصد یافتن حق، می‌تواند بهتری سخنان را انتخاب و پس از تصمیم‌گیری وارد عمل شود (امینی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۲). مشورت با دیگران موجب تبادل نظر و وسعت اندیشه می‌شود. ارتباط فکری بین افراد موجب می‌گردد تا با شناخت بیشتر و بینش صحیح بتوانند تصمیمات عاقلانه بگیرند و مشکلات خود را حل کنند. بدین‌روی، مریبان در انتخاب متریبان به صورت گروهی باید دقت کنند و کارهای گروهی و موقعیت‌هایی برای مشورت متریبان فراهم کنند و خود نیز به عنوان الگویی مطلوب چنین باشند.

۹. پرسش و پاسخ

خوب سؤال کردن هدفمند است و برای رسیدن به مقصود متعالی، طرح می‌گردد. بدین‌روی، نیاز به تفکر و تعمق دارد. سؤال بجا، هم هادی را به پاسخ ترغیب می‌کند و هم هدایت‌کننده را به تفکر تشویق می‌کند (رستمی‌نسب، ۱۳۸۸، ص ۴۰۸). این روش منجر به رشد عقلانی می‌گردد. امام سجاده علیه السلام به اهمیت این موضوع در دعاهاى بسیاری اشاره نموده‌اند؛ از جمله در دعای چهل و ششم صحیفه سجاده به طرح سؤال اشاره شده است: «حق تعالی نیاز همه نیازمندان و سؤال‌کنندگان را اجابت می‌نماید و کسی را از درگاه فضل و رحمتش ناامید نمی‌کند و درگاهش به روی هر سائلی گشوده است.»

طرح سؤال موجب تحریک فرد و رشد قوه عقلانی می‌گردد و در آیات قرآن مکرر به این موضوع اشاره شده است: «آیا کسی را که در لابه‌لای زینت‌ها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می‌خوانند؟)» (زخرف: ۱۸). «آیا آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟» (زخرف: ۳۱) «اگر از آنها

پرسی چه کسی آنان را آفریده است قطعاً می‌گویند خدا. پس چگونه از عبادت او منحرف می‌شوند؟» (زخرف: ۸۷) «آیا آنان بهترند یا قوم تبع و کسانی که پیش از آنها بودند؟» (دخان: ۳۷).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مردم به چیزی دسترسی پیدا نکنند مگر اینکه پرسند و بفهمند» (کلینی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۵۷). بیشتر دانشمندان، که به مقام شامخ علمی رسیده‌اند و مخترعان که اختراع کرده‌اند به خاطر طرح سؤال در ذهنشان بوده که در پی یافتن پاسخ تلاش کرده‌اند. با عشق و علاقه، به آگاهی و درک مجهولات خلقت نایل آمده‌اند و مانند تشنه‌ای گسته‌اند که هرچه می‌نوشند سیر نمی‌شود؛ زیرا نمی‌توانند به آگاهی کامل برسند و هرچه کشف کنند مسائل ناشناخته دیگری در برابرشان خودنمایی می‌کند. این امر موجب تقویت نیروی عقل می‌گردد و یکی از شیوه‌های تفکربرانگیز در وسعت اندیشه است. عالم و عاقل برای کشف مجهولات تلاش می‌کنند و تازمانی که به مطلوب نرسند آن را رها نمی‌کنند. از دانشمندان سؤال می‌کنند و ذهن خویش را برای درک و فهم مسائل بسیار مهم آماده می‌سازند.

طرح سؤال بهتر است به صورت واگرا باشد تا همگرا، اگرچه هر دو روش مفید است، اما از طریق تولید تفکر واگرا، مرتبی وادار به تفکر در زمینه‌های متعدد می‌گردد و با دست یافتن به فرضیه‌های متعدد و آزمایش و یا تحلیل و نقد هریک، به راه‌حل نهایی می‌رسد. مرتبی با طرح سؤال (که بهتر است هدفمند باشد) مرتبی را به تحرک و پویایی ذهن وامی‌دارد. یکی از روش‌های تدریس «پرسش و پاسخ» است که بسیار می‌تواند مؤثر واقع شود. علوی (۱۳۸۴، ص ۱۷۶) چنین اظهار می‌دارد: نوع پرسش‌های مدرسان بسته به نوع، ماهیت درس، سطح و پایه و مقطع تحصیلی شاگردان، میزان استعداد، اطلاعات

ویژه‌ای برخوردار است، به گونه‌ای که اگر عقل در مسیر هدایت و تربیت قرار نگیرد، موجب گمراهی و تباهی انسان می‌گردد و بر عکس. پرورش این استعداد و موهبت الهی یکی از اهداف مهم تربیتی قلمداد می‌شود و ضامن هدایت و رستگاری انسان است. برنامه و محتوای آموزشی باید به گونه‌ای طراحی شود که زمینه فعالیت ذهنی و عقلانی هرچه بیشتر متعلمان را فراهم کند. به همین منظور، برای تقویت قوه عقلانی و نیل به هدف والای تربیت در مباحث گذشته، برخی از روش‌های تربیتی از دیدگاه امام سجاد علیه السلام ذکر شد:

- روش «تزکیه نفس» که بهترین راه مقابله، کنترل نفس و مهار امیال، و حرکت در خلاف جهت رذایل و کسب فضایل است.

- در روش «تعلیم حکمت»، امام سجاد علیه السلام با معرفی پدیده‌های گوناگون جهان هستی و مشاهده آنها، انسان‌ها را به تفکر ژرف دعوت نموده‌اند تا بدین‌گونه، به دانش جامع و ژرف، یعنی حکمت و بصیرت دست یابند. همچنین عقل در سایه علم آموزی رشد و فزونی می‌یابد؛ علمی که در جهت فطرت انسان باشد. مشاهده دقیق و تأملی آیات آفاقی و انفسی نیز موجب پرورش عقل و ایجاد حس خلاقیت در انسان می‌گردد و وی را در مسیر هدایت الهی قرار می‌دهد.

- در روش تربیتی «عاقبت‌اندیشی»، انسان با تأمل در کارها و گرفتن تصمیم‌های عاقلانه و آگاهانه، قادر به کنترل رفتارهای خود می‌گردد. از سوی دیگر، درست‌اندیشیدن و سنجش عواقب امور موجب رشد عقل می‌شود.

- روش «تجربه‌اندوزی» منجر به تعامل انسان با محیط می‌گردد، و هرچه این تعامل بیشتر باشد شرایط مناسب‌تری برای رشد عقل فراهم می‌شود.

- در «عبرت‌آموزی» انسان با مطالعه تاریخ و تمثیل‌ها

و علایق شاگردان و اهداف دروس متفاوت است. هدف نهایی به کارگیری روش پرسش و پاسخ، پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری، تفکر و استدلال در شاگردان است. به کار بردن سؤالات و اگر پاسخ‌های دانش‌آموزان را عمیق کرده، آنها در تفکر و انتقاد خلاق یاری می‌کند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با توجه به مباحث مطرح‌شده، مفهوم و جایگاه عقل از دیدگاه امام سجاد علیه السلام و منابع اسلامی بررسی شد. «عقل» در معنای لغوی، مخالف «جهل» و به معنای «بستن و گره زدن و ملاک تشخیص خیر و شر و حق و باطل» و در معنای اصطلاحی، «ملکه و حالتی نفسانی که انسان را به سوی انتخاب خیر و پرهیز از بدی‌ها دعوت می‌کند» معنا گردید. عقل گران‌مایه‌ترین نعمت الهی و وجه امتیاز انسان بر سایر موجودات محسوب می‌شود. عقل به منزله راه و روشی است که با استفاده از آن می‌توان به درجات متعالی و هدف غایی قرب الهی دست یافت. به اعتقاد امام سجاد علیه السلام، بعد عقلانی بر ابعاد وجودی دیگر انسان برتری دارد و انسان با تفکر و اندیشه در آیات الهی، قادر به درک خداشناسی و تقوای الهی می‌گردد. همچنین به واسطه توانایی قوه عقلانی، او قادر به درک باطن اشیا عالم هستی می‌شود. عقل در منابع اسلامی نیز از ارزش و منزلت بالایی برخوردار است، به گونه‌ای که شرط صحت طاعت و عبادت خداوند، شناخت و معرفت است که مستلزم به کارگیری صحیح عقل است. ارزش عقل در اسلام تا حدی است که دین‌داری هرکس به اندازه خردمندی اوست. بدین‌روی، تعالی و رشد انسان در گرو انتخاب راه نیک از خطا و مبتنی بر پرورش قوه عقلانی است.

در دیدگاه امام سجاد علیه السلام تربیت عقلانی از اهمیت

و داستان‌های مربوط به آن و بهره‌گیری از تجارب تاریخ، در بهسازی زندگی خویش در نیل به سعادت دنیوی و اخروی قدم برمی‌دارد.

- «مشورت کردن» با عقلا و استمداد از افکار آنان موجب افزایش شناخت در تقویت قوه عقل می‌گردد.

- در روش «پرسش و پاسخ» به خاطر ایجاد انگیزه و کنجکاوی، پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری، تفکر و استدلال در شاگردان افزایش می‌یابد.

- به کارگیری روش‌های تربیتی مزبور از دیدگاه امام سجاد علیه السلام توسط مربیان، ضمن پرورش قوه عقلانی آنها، راهبردهایی مؤثر در هدایت و سازندگی متریبان به سوی اهداف متعال و سعادت و رستگاری ابدی است.

براساس نتایج مذکور، به معلمان و دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت پیشنهاد می‌شود، محتواهای آموزشی را متناسب با نیازها و توانمندی‌های انسان در ابعاد گوناگون طرح نمایند و از روش‌ها و دستورالعمل‌های تربیتی امام سجاد علیه السلام بهره‌گیرند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۸۵، ترجمه علی جعفری، مشهد، آستان قدس رضوی.
- صحیفه کامله سجاده، ۱۳۸۸، ترجمه عباس عزیزی، قم، صلاة.
- اصلاحی، یاسر، ۱۳۹۱، تربیت عقلانی بر مبنای اندیشه امام خمینی ره، تهران، سبحان.
- امینی، ابراهیم، ۱۳۹۲، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب.
- ایمانی، محسن، ۱۳۷۸، تربیت عقلانی، تهران، امیرکبیر.
- باقری، خسرو، ۱۳۸۸، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، ۱۳۶۶، غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال‌الدین خوانساری، تهران، دانشگاه تهران.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹، آرای دانشمندان مسلمان

در تعلیم و تربیت و مبانی آن، تهران، سمت.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۸۷، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه حسن خداپرست، تهران، نوید اسلام.

رستمی نسب، عباسعلی، ۱۳۸۸، فلسفه تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

سلطان‌القدرایی، خلیل، ۱۳۸۴، فلسفه تعلیم و تربیت و آرای تربیتی آن، تبریز، دانشگاه تبریز.

شریعتمداری، علی، ۱۳۸۲، تعلیم و تربیت اسلامی، تهران، امیرکبیر.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۴، تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

عابدینی مطلق، کاظم، ۱۳۸۸، مجموعه کبیر (نهج البلاغه، نهج الفصاحه، صحیفه سجاده، صحیفه مهدیه)، قم، ندای دوست.

علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۸۸، بررسی تطبیقی نظریات تربیتی اسلام و ژان ژاک روسو، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۸۴، روش تدریس سخنرانی و پرسش و پاسخ، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

علوی، سیدحمیدرضا، ۱۳۸۶، نکات اساسی در فلسفه تعلیم و تربیت و مکاتب فلسفی تربیتی، کرمان، دانشگاه شهید باهنر.

کاردان، علی محمد، ۱۳۸۸، سیر آراء تربیتی در غرب، تهران، سمت.

کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۸۵، اصول کافی، ترجمه سیدمهدی آیت‌اللهی، تهران، جهان‌آرا.

مجلسی، محمدباقر، ۱۳۸۵، بحارالانوار، تهران، المکتبه الاسلامیه.

محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۷، منتخب میزان‌الحکمه، قم، دارالحدیث.

ملکی، حسن، ۱۳۷۹، تربیت عقلانی در نهج البلاغه و دلالت‌های آموزشی آن، تهران، مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

مدوحی، حسن، ۱۳۸۸، شهود و شناخت، قم، بوستان کتاب.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۲، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، مؤسسه تنظیم نشر و آثار امام خمینی ره.

وحدانی فر، هادی، ۱۳۹۳، «بازشناسی مفهوم دینی عقل، مبنایی برای تعلیم و تربیت در اسلام»، پژوهش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، سال ششم، ش ۹، ص ۱۴۷-۱۶۹.

هوشیار، محمدباقر، ۱۳۷۴، اصول آموزش و پرورش، تهران، دانشگاه تهران.